



University of Shahid Beheshti
Faculty of Literature and Human Sciences
Department of History

Journal of History of Iran

Vol 16, No 2, autumn & winter 2023

ISSN: 2008-7357

E-ISSN: 2588-6916



DOI: <https://doi.org/10.48308/irhj.2024.104260>

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20087357.1402.16.2.3.1>

Research Paper

The Representation of the Ideal Woman in the *Šokūfeh* Magazine: A Comparative Study of the Role of Women in the Pre-constitutional and Constitutional Periods

1. Mahdi rafati panah mehrabadi 

1. Assistant Professor, Department of Historical and Environmental Studies, The Organization for researching and composing university textbooks in the Islamic science and the humanities, Tehran, Iran, Email: rafatipanah@samt.ac.ir

Received: 2023/05/14 PP 47-65 Accepted: 2023/06/21

Abstract

With the emergence and spread of political parties and newspapers in the wake of the constitutional revolution, various articles were published with the aim of social reform. The women's question was one of the most important topics of the articles, so much so that some newspapers focused exclusively on this subject. As one of the women's magazines, *Šokūfeh* criticized the position of women in Iranian society, but at the same time tried to improve their status and role. In this article, the role of women in pre-constitutional Iran will be examined and the characteristics of the ideal woman from the perspective of *Šokūfeh* will be described using the method of qualitative content analysis. In addition, the article aims to show the status of women in pre-constitutional Iran and the impact of social and cultural changes after the constitutional revolution on the portrayal of the ideal woman in the press, especially in *Šokūfeh*. The results show that the ideal Iranian woman had to be educated and have a critical view of things. In addition, she had to engage in social activities such as promoting women's literacy, avoiding blind imitation of consumer culture and acquiring domestic skills such as caring for her husband, cooking, sewing and child rearing in a theoretical and practical sense. The ideal Iranian woman had to be qualified in all the qualities that made her a more effective activist in the social, political, economic and domestic spheres, including appearance, moral and educational qualities

Keywords: Constitutional newspapers, *Šokūfeh*, Ideal woman, ideal type, Constitutional revolution.

Citation: Rafati panah mehrabadi, Mahdi. 2023. «*The Representation of the Ideal Woman in the Šokūfeh Magazine: A Comparative Study of the Role of Women in the Pre-constitutional and Constitutional Periods*», Journal of History of Iran, Summer and spring Vol 16, No 1, PP 47-65.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



مقاله پژوهشی

زن ایده‌آل از منظر نشریه شکوفه (بررسی مقایسه‌ای نقش زنان در دوران پیشامشروطه و پس از آن)

۱. مهدی رفعتی پناه مهرآبادی ^{ID}

۱. استادیار گروه مطالعات تاریخی و محیطی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان سمت، تهران، ایران، رایانامه: rafatipناه@samt.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴ صص ۴۸-۶۵ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

چکیده

با انقلاب مشروطه و گسترش فعالیت احزاب و مطبوعات، مقالات گوناگونی با هدف اصلاح جامعه انتشار یافتند. مسئله زنان یکی از مهم‌ترین موضوعات این مقالات بود، به نحوی که برخی از نشریات به صورت اختصاصی به آن می‌پرداختند. نشریه شکوفه به‌عنوان یکی از نشریات اختصاصی زنان در تلاش بود تا ضمن به نقد کشیدن وضعیت زنان در جامعه، امکان بهبود و ارتقای جایگاه و نقش آنان را فراهم آورد. این مقاله با استفاده از تحلیل محتوای کیفی درصدد است ضمن بررسی نقش زنان در ایران پیشامشروطه، به بیان ویژگی‌های زن ایدئال ایرانی از منظر نشریه شکوفه بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که زنان در ایران پیشامشروطه اصولاً چه وضعیتی داشتند و با انقلاب مشروطه و تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه، چه تصویری از زن ایدئال در نشریات مشروطه، به‌ویژه در نشریه شکوفه، ترسیم شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد زن ایدئال از یک سو باید تحصیل کرده و باسواد و دارای نگاه انتقادی به مسائل می‌بود و از سوی دیگر باید کنش اجتماعی مؤثری می‌داشت، مانند تلاش برای ترویج سوادآموزی زنان، پرهیز از تقلید کورکورانه در مواجهه با فرهنگ مصرفی در کنار کسب مهارت‌های زندگی از جمله شوهرداری، آشپزی، خیاطی، فرزندان‌داری از جنبه نظری و عملی. زن ایدئال ایرانی باید واجد تمام ویژگی‌هایی می‌بود که می‌توانست او را به‌عنوان یک کنشگر مؤثر در امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی معرفی کند، از ویژگی‌های ظاهری چون آراستگی ظاهر گرفته تا ویژگی‌های اخلاقی و علمی.

واژه‌های کلیدی: نشریات مشروطه، شکوفه، زن ایده‌آل، نوع آرمانی، انقلاب مشروطه.

استناد: رفعتی پناه مهرآبادی، مهدی. ۱۴۰۲. «زن ایده‌آل از منظر نشریه شکوفه (بررسی مقایسه‌ای وضعیت زنان در دوران پیشامشروطه و پس از آن)»، مجله تاریخ ایران، پاییز و زمستان، سال ۱۶، شماره ۲، ۴۸-۶۵.



مقدمه

از چندی پیش از انقلاب مشروطه، بر اثر گسترش روابط با کشورهای غربی و شکل‌گیری ادبیات ترقی‌خواهانه، جامعه ایرانی شروع به نقد ساختارهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کرد و منورالفکرانی چون ملکم، مستشارالدوله، آخوندزاده و طالبوف از طریق روزنامه‌هایی که در داخل کشور و یا در خارج به چاپ می‌رسیدند، به تجدیدنظر در این مبانی پرداختند. با انقلاب مشروطه و کنار رفتن، هرچند موقتی، قدرت استبدادی شاه و شکل‌گیری احزاب، انجمن‌های ایالتی و گسترش روزنامه‌نگاری، این تجدیدنظر شدت بیشتری گرفت. به همین دلیل صورت‌بندی‌های متفاوتی از مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ارائه گردید. در این میان مسئله زنان و جایگاه آنها در اجتماع توانست جایی در محتوای فکری و اجتماعی جریان‌های مختلف به‌ویژه جریان‌های تجدیدخواه باز کند و توجه انجمن‌ها و مطبوعات را به خود جلب نماید. به تبع این وضعیت، جریان‌های مختلف صورت‌بندی‌های گوناگونی از زنان، وظایف و جایگاهشان در جامعه طرح کردند. و طبعاً چون مطبوعات بین سطح نخبگانی جامعه و سطح عمومی جامعه نقش واسطه را بازی می‌کرد، این صورت‌بندی‌ها در مطبوعات عینیت می‌یافت و از این طریق وارد گفت‌وگوهای عمومی جامعه می‌شد. بنابراین، بررسی مطبوعات مشروطه می‌تواند بر صورت‌بندی‌های گوناگون جامعه از زنان و تنوع اندیشه‌ها در این باره پرتوی بیندازد. نشریه شکوفه، به‌عنوان یکی از اولین روزنامه‌های زنان، در تلاش بود تا ضمن به نقد کشیدن وضعیت زنان در جامعه، جایگاه و نقش آنان را بهبود بخشد. نظر به این موضوع، این مقاله درصدد است ضمن بررسی نقش زنان در ایران پیشامشروطه، به بیان ویژگی‌های زن ایده‌آل ایرانی از منظر نشریه شکوفه بپردازد.

اهمیت چنین پژوهش‌هایی در این است که نشان می‌دهند جامعه ایرانی چگونه در دوران انقلاب مشروطه در بسیاری از مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود تجدیدنظر کرد و از این رهگذر کوشید خود را با تمدن جدید همگام سازد. این تلاش‌ها نشان از پویایی جامعه ایرانی در آن دوران دارد. هدف این مقاله بررسی ویژگی‌های زن ایده‌آل ایرانی از دید نشریه شکوفه است، ویژگی‌هایی که به زن ایرانی کمک می‌کرد تا خود را با دنیای جدید هماهنگ کند و بیش از گذشته در جامعه ایفای نقش نماید. بنابراین، در این پژوهش با تکیه بر تحلیل محتوای کیفی سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که از دید نشریه شکوفه زن ایده‌آل چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد.

دربارۀ وضعیت زنان در مطبوعات مشروطه تاکنون مقالات و آثار مختلفی به چاپ رسیده است. مطالبات

اجتماعی زنان^۱، آموزه‌های تعلیمی^۲، عملکرد زنان در مطبوعات عصر مشروطه^۳، بهداشت و سلامت عمومی^۴، زن در آینه مطبوعات دوره قاجار^۵ و مسائل جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان^۶ از جمله موضوعات این آثار است. گذشته از این موارد، آثار دیگری نیز درباره وضعیت زنان در دوره مشروطه و پس از آن منتشر شده است. مثلاً در کتاب *انقلاب مشروطه ایران*، اثر ژانت آفاری^۷، از نقش زنان در انقلاب مشروطه یاد شده است. همین نویسنده در مقاله‌ای با عنوان «گذر از میان صخره و گرداب: دگرگونی نقش زن و مرد در ایران قرن بیستم»^۸ به بررسی تحولاتی می‌پردازد که از زمان انقلاب مشروطه تا پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ در وضعیت زنان در ایران رخ داده است. به علاوه باید از کتاب *زن ایرانی* در نشریات مشروطه اثر غلامرضا وطن‌دوست^۹ یاد کرد که در آن ۱۷ مقاله از چندین نشریه (مجلس، تمدن، صور اسرافیل، شکوفه، بهار، ایران نو و دانش) در بازه زمانی شش سال اول پس از انقلاب مشروطه بررسی و پیوند زنان با مشروطه و مطبوعات واکاوی شده است. همچنین باید از کتاب *زن در دوره قاجار* اثر بشری دلریش^{۱۰} یاد کرد که به وضعیت زنان در دوره مورد نظر می‌پردازد. اما در تمامی این آثار به الگوی زن ایدئال در مطبوعات مشروطه توجه نشده و وجه تمایز مقاله حاضر با آثار موجود در همین است.

نشریه شکوفه

نشریه شکوفه به صاحب‌امتیازی و مدیر مسئولی مریم عمید، معروف به مزین السلطنه، دو بار در ماه منتشر می‌شد. این نشریه پس از نشریه دانش دومین نشریه‌ای بود که به صورت اختصاصی به زنان می‌پرداخت. اولین شماره آن در تاریخ ذیحجه ۱۳۳۰ق و آخرین شماره آن در اول ذی‌قعدة ۱۳۳۴ق منتشر شد.^{۱۱} شکوفه در توضیح اهداف و ماهیت خود می‌آورد: «روزنامه‌ای است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحة

۱. محمدعلی علیزاده و علی باغدار دلگشا، «بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه (با تأکید بر نامه‌نگاری‌های زنان در روزنامه ایران نو)»، زن و جامعه، ش ۱، ص ۷ (فروردین ۱۳۹۵)، ص ۲۰۱-۲۱۸.

۲. محمدرضا حاجی آقابابایی و نرگس صالحی، «بررسی آموزه‌های تعلیمی در نخستین مطبوعات تخصصی زنان»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، س ۱۱، ش ۴۳ (پاییز ۱۳۹۸)، ص ۳۹-۶۶.

۳. ابرج جلالی، «عملکرد زنان در مطبوعات عصر مشروطه»، رشد آموزش تاریخ، ش ۳۹ (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۴۲-۴۶.

۴. الهه باقری و شهناز خواجه، «تکاتی در باب بهداشت و سلامت عمومی در نشریه شکوفه با تکیه بر سلامت مادر و کودک»، تاریخ پزشکی، س ۶، ش ۲۰ (پاییز ۱۳۹۳)، ص ۴۷-۸۲؛ علی باغدار دلگشا و دیگران، «حفظ الصحة نسوان در مطبوعات زنان با تکیه بر مطبوعات منتشر شده از ۱۲۸۹-۱۳۰۷ ش/ ۱۹۱۰-۱۹۲۸ م»، تاریخ پزشکی، دوره ۹، ش ۳۲ (پاییز ۱۳۹۶)، ص ۳۲-۴۴.

۵. الهه احدی، «زن در آینه مطبوعات دوره قاجار»، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، س ۲، ش ۱۰ (زمستان ۱۳۹۶)، ص ۱۴۹-۱۶۰.

۶. هما زنجانی‌زاده و علی باغدار دلگشا، «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه با تأکید بر روزنامه زبان زنان»، مسائل اجتماعی ایران، س ۶، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، ص ۶۱-۸۰.

۷. ژانت آفاری، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی (تهران: بیستون، ۱۳۸۵).

۸. ژانت آفاری، «گذر از میان صخره و گرداب: دگرگونی نقش زن و مرد در ایران قرن بیستم»، *ایران‌نامه*، س ۱۵، ش ۵۹ (تابستان ۱۳۷۶)، ص ۳۶۵-۳۸۸.

۹. غلامرضا وطن‌دوست و دیگران، *زن ایرانی* در نشریات مشروطه (تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷).

۱۰. بشری دلریش، *زن در دوره قاجار* (تهران: دفتر مطالعات دینی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵).

۱۱. شکوفه، س ۴، ش ۱۱ (ذیحجه ۱۳۳۴ق).

اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان، راجع به مدارس نسوان^۱ این نشریه برای بیان مقاصد خود از کاریکاتورهای زیبا و انتقادی نیز استفاده می‌کرد. دوره انتشار آن را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. موضوع مقالات آن در دوره اول (یعنی از شماره یکم تا دهم) بیشتر درباره تساوی حقوق زن و مرد و تحصیل علم برای دختران و زنان، حمله به خرافه‌پرستی، تأکید بر رعایت قوانین مذهبی و انتقاد از بی‌بندوباری‌های جامعه بود.^۲ در دوره دوم، شکوفه در اختیار «انجمن همت خواتین» قرار گرفت که به کوشش خانم نورالدجی بازرس کل مدارس دخترانه تأسیس شده بود. شکوفه از سال دوم رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت و مباحثی چون مشکلات اقتصادی و اجتماعی، علل عقب‌ماندگی ایران، عملکرد نامناسب مسئولان، استقراض از دولت‌های خارجی را مطرح کرد. با این همه موضوع اصلی این نشریه مدارس نسوان و تحصیل زنان بود.^۳

زنان در عصر پیشامشروطه

برخی از پژوهشگران نگاه رادیکال و بدبینانه‌ای به جامعه ایرانی پیشامشروطه و فرهنگ مردسالار حاکم بر آن دارند. از نظر اینان در عصر قاجار ۱. زنان موجوداتی فاقد فکر دانسته می‌شدند^۴، ۲. تنها مرد و فعالیت‌های او در عرصه اجتماع مورد توجه قرار می‌گرفت^۵، ۳. روایت‌های تاریخی در این فرهنگ، همسو با محدود کردن زن، بر اهمیت سلسله‌مراتب جنسی در نظم‌های سیاسی تأکید می‌کردند^۶ و ۴. نقش زنان بر ساخته‌ای فرهنگی بود برای بیان برتری مرد و فرودستی زن^۷. فارغ از این رویکرد، باید خاطر نشان کرد که زنان در دوران پیشامدرن عصر قاجار (پیشامشروطه)، به مانند دوران پیشامدرن در نقاط مختلف جهان، از نقش اقتصادی و به‌ویژه سیاسی و اجتماعی محدودتری نسبت به مردان برخوردار بودند^۸ و مشارکت اجتماعی زنان در جامعه با پوشش سخت و سنتی و ملاحظات اخلاقی مبتنی بر تفکیک زنان از مردان همراه بود^۹. شاید به همین دلیل میرزا آقاخان کرمانی در توصیف زن ایرانی می‌نویسد:

نه تنها در نظرها ضعیف و بی‌قدر و حقیر و دلیل‌اند بلکه از دانش مهجور و از هر بینشی به دور و

۱. همان، س ۱، ش ۱ (ذیحجه ۱۳۳۰)، ص ۱.

۲. زنجانی‌زاده و دلگشا، ص ۶۶.

۳. وطن‌دوست، ص ۲۷.

4. Hamideh Sadeghi, *Women and Politics in Iran: Veiling, Unveiling and Reveiling* (New York: Cambridge University, 2007), p. 250.

5. Judith Zinsler, *History and Feminism: A Glass half full* (New York: Twayne, 1993), pp. 3-5.

6. Spongberg, Mary, *Writing Women's History since the Renaissance*, New York, Palgrave Macmillan, 2002), p. 58.

7. Karen Offen, and Pierson, Ruth Roach, *Writing Women History: International Perspectives* (Bloomington: Indiana University, 1991), pp. 1-2.

۸. شبنم حاتم‌پور و بیتا بابایی‌راد، «زن و تحولات سیاسی از قرن ۷ تا پایان دوره پهلوی»، زن و فرهنگ، س ۲، ش ۶ (زمستان ۱۳۸۹)، ص ۳۸.

۹. ادوارد یاکوب پولاک، *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱)، ص ۱۷۰.

از همه چیز عالم بی‌خبرند و از تمام هنرهای بنی‌آدم بی‌بهره و بی‌ثمر و از معاشرت دور و در زاویه خانه‌های خراب، عنکبوت‌وار از خیال زنانه خویش می‌زیسته و بر وفق طبیعت خود می‌بافند. شب همه شب در فکر اینکه به صد حيله از دست آن شوهر نمروود کردار و شداد رفتار گریبان خود را خلاص کند و نتیجه این می‌شود که نه تنها این اسارت و ذلت که اساس دسیسه و حيله است خود زن ایرانی را خراب دارد، بلکه میرهن است اولاد و احفادی که از ایشان متولد می‌شوند صاحب همان خلق و خوی‌اند، زیرا که رحم مادر مکتب طبیعی جنین است که از اخلاق و عادت و اطوار مادر، فرزند تربیت می‌آموزد.^۱

با این همه، این به معنای حبس کامل زنان در اندرونی و محروم بودنشان از تماس با اجتماع نبود. همواره ضرورت‌ها و دلایلی زنان را به محیط جامعه و خارج از اندرونی می‌کشید. از جمله اصلی‌ترین این ضرورت‌ها می‌توان به تهیه‌ی مایحتاج عمومی از بازار اشاره کرد. شاید فعال‌ترین بُعد حضور اجتماعی زنان در دوره‌ی قاجار به شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم، روضه‌خوانی و تعزیه بازمی‌گشت. انگیزه‌هایی مانند کسب اجر اخروی، توبه از گناهان، افزودن بر اطلاعات مذهبی، دیدن رجال سیاسی، روحانیون، مراجع بزرگ و گوش دادن به مواعظ آنها، در کنار لذت بردن از حضور در جمع سبب حضور بیشتر زنان در چنین مراسمی می‌شد.^۲ همچنین به نظر می‌رسد یکی دیگر از فعالیت‌های اجتماعی زنان، هرچند بیشتر زنان درباری و متمول، مشارکت در امور خیریه بود.

حضور حداقلی زنان در اجتماع در دوره‌ی قاجار سبب شده بود زنان شهری مشارکتی برابر با مردان در سیستم اجتماعی نداشته باشند. در بسیاری از مواقع زنان مرفه شهری از عرصه‌ی کار و فعالیت اجتماعی دور بودند و عمدتاً به منظور استحمام و یا حضور در مراسم مذهبی و مجالس زنانه می‌توانستند در معابر عمومی حاضر شوند.^۳ زنان دربار نیز به روش‌های گوناگون در تلاش بودند در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشارکت جویند. گذشته از ورود به دسته‌بندی‌های دربار و زدوبند با رجال سیاسی، شرکت در مراسم دینی، به جا آوردن حج و زیارت قبور ائمه و امامزادگان از دیگر کارهایی بود که زنان به واسطه‌ی آن در امور اجتماعی شرکت می‌کردند.^۴

همین تلاش زنان برای حضور در امور اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی سبب شده بود که برخی از ناظران خارجی دیدگاه خود را درباره‌ی وضعیت زنان ایرانی تصحیح و به نقش آنها در امورات جامعه-هرچند نه در سطح مردان-اعتراف کنند. بنجامین گرین در سفرنامه‌اش می‌نویسد: «... اگر عجولانه قضاوت و

۱. میرزا آقاخان کرمانی، سه مکتوب، به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه (بی‌جا: بی.نا، ۲۰۰۰)، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۲. دلریش، ص ۶۸-۷۱.

۳. حاتم‌پور و بابایی‌راد، ص ۴۳.

۴. ژان باتیست فووریه، سه سال در دربار ایران، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی (تهران: پر، ۱۳۹۵)، ص ۱۵۹.

نتیجه‌گیری شود که زنان ایرانی عقب‌افتاده و بی‌اطلاع و نادان هستند، اشتباه محض است. آنها اگرچه تحصیل کرده و آشنا به تمدن غربی نیستند، ولی به هیچ وجه کودن و احمق هم نیستند و در امور اجتماعی و سیاسی کشور نفوذ دارند و در پشت پرده خیلی کارها با مشارکت و مساعی آنها می‌گذرد.^۱ در حقیقت بنجامین از یک سو به عقب ماندن زنان از قافله علم اشاره دارد و از سوی دیگر، توجه خواننده را به تلاش آنان برای مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی، هرچند در سطح حداقلی، جلب می‌کند.

یکی از مسائل زنان در دوران قاجار محدودیت در کسب علم و سوادآموزی بود. تا پیش از مشروطه و پیدایش مدارس دخترانه جدید، تعلیم و تربیت دختران عمدتاً در مکتبخانه‌ها یا به صورت خصوصی در منازل یا از طریق اعضای خانواده صورت می‌گرفت.^۲ در مکتبخانه‌ها معمولاً صرف و نحو، مسائل دینی، دیوان حافظ، گلستان سعدی، مثنوی معنوی و خلاصه الحساب شیخ بهایی آموزش داده می‌شد.^۳ تدریس خصوصی نیز بیشتر در منزل اعیان و اشراف صورت می‌گرفت و گاه به دختران اجازه داده می‌شد نزد معلم خصوصی درس فراگیرند. به همین خاطر تا مدت‌ها پس از انقلاب مشروطه و حتی تصویب قانون اساسی معارف (۱۳۲۹ق)، تعداد دانش‌آموختگان دختر و به طور کلی تعداد زنان باسواد بسیار کم بود. داده‌های تاریخی نشان می‌دهند با وجود اینکه انجمن معارف (۱۳۱۵ق) اولین مدارس به شیوه جدید را بنیان گذاشت، این مدارس فقط مخصوص پسران بود. در واقع هیچ کدام از یازده مدرسه‌ای که در این زمان تأسیس شد، به دختران اختصاص نداشت.^۴ حتی مدرسه‌ای که طوبی رشدیه با عنوان «پرورش» تأسیس کرد، به دستور دولت تعطیل شد. به‌رغم آنکه در قانون اساسی معارف (۱۳۲۹ق) آموزش برای عموم اجباری اعلام شده بود، دولت هیچ حمایتی از آموزش زنان نمی‌کرد. چنانکه همزمان با تصویب این قانون، مصوبه تأسیس و اختصاص بودجه برای ساخت ۹ مدرسه دولتی برای پسران به تصویب رسید و هیچ نامی از مدارس دخترانه دولتی برده نشد. با این حال، هرچند دولت از تأسیس مدارس دولتی دخترانه حمایت نمی‌کرد، تا سال ۱۳۲۹ق تعدادی مدرسه دخترانه خصوصی (عمدتاً در تهران) به همت اشخاص خیر ایجاد شد.^۵

بدین ترتیب، در ایران دوره قاجار (پیشامشروطه) تصویر برساختی از زن عمدتاً او را در مقایسه با مرد بازنمایی می‌کرد و برای وی نقشی فرعی در امور سیاسی، اجتماعی و حتی گاه اقتصادی قائل بود. براساس این تصویر، زن بیش از آنکه دارای هویتی مستقل باشد که بر مبنای آن بتواند در جامعه

۱. ساموئل گرین ویلز بنجامین، سفرنامه بنجامین، ترجمه محمدحسین کردبچه (تهران: جاویدان، ۱۳۶۹)، ص ۸۵.

۲. رابرت گرانت واتسن، تاریخ ایران در دوره قاجار، ترجمه عباسقلی (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۰)، ص ۱۱.

۳. سهیلا ترابی فارسانی، اسنادی از مدارس دخترانه از مشروطیت تا پهلوی (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸)، ص ۱۰.

۴. زهرا حامدی، مبانی اپیدئولوژی حاکمیت و تأثیرش بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۴)، ص ۱۹۷.

۵. همان، ص ۱۹۸-۱۹۹.

کنشگری کند، بی‌نیاز از سوادآموزی، ایجاد روابط اجتماعی، کنشگری سیاسی و حتی فعالیت اقتصادی به شمار می‌رفت. به همین دلیل زنان از بسیاری از مهارت‌هایی که مردان برای حضور در جامعه لازم داشتند، بی‌نیاز دانسته می‌شدند. اما با نزدیک شدن به انقلاب مشروطه و شکل‌گیری ادبیات ترقی‌خواهانه به‌ویژه از طریق روزنامه‌ها و نشریاتی که در خارج از ایران در دوره ناصرالدین شاه منتشر می‌شدند و سپس با وقوع انقلاب مشروطه و گسترش این نوع ادبیات، تلاش زنان برای به دست آوردن حقوق اجتماعی و فردی شدت یافت.

در حقیقت با وقوع انقلاب مشروطه و گسترش روزنامه‌ها و نشریات و نیز بر اثر آمدن ایرانیان به اروپا زمینه برای تغییر بسیاری از مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیشامدرن فراهم آمد. بحث از جایگاه زنان در جامعه، حقوق اجتماعی و فردی آنها، حیطة آزادی‌هایشان و نحوه و میزان فعالیت و حضورشان در اجتماع همگی نشان از تغییر در مناسبات گذشته داشت. در این دوره با گسترش روزنامه‌ها، به‌خصوص روزنامه‌های زنان، صورت‌بندی جدیدی (حداقل در عرصه نظری) از وضعیت زنان و جایگاهشان در جامعه ایرانی شکل گرفت. طبعاً این صورت‌بندی بسیاری از مناسبات و سازوکارهای گذشته را نقد و ضرورت تجدیدنظر در آنها را گوشزد می‌کرد. در عین حال، آموزش مهارت‌های جدید را برای زنان لازم می‌شمرد و به همین دلیل نسبت به دوره پیشامشروطه الگوی متفاوتی از «زن بودن» در نظر می‌آورد. در واقع این صورت‌بندی با دست گذاشتن روی تبعیض‌های بین زن و مرد از جمله تبعیض در آموزش، برخورداری از شغل و استقلال مالی و حق حضور در عرصه سیاسی به دنبال طرح الگویی از زن ایرانی بود که جایگاه و نقش او را در جامعه بهبود بخشد و شرایط را برای حضور او در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراهم کند. نتیجه چنین امری تغییر در حیطة وظایف، نوع حضور در فعالیت‌های اجتماعی و سطح سواد زنان بود، به گونه‌ای که به قول مورگان شوستر «زنان ایرانی، با تجربه‌ای ناچیز، آموزگار، روزنامه‌نویس، مؤسس باشگاه‌های زنان و سخنگو در مباحث سیاسی شدند.»^۱ بنابراین، با بررسی روزنامه‌های دوره مشروطه، به‌ویژه روزنامه‌های زنان که پایه‌گذار زبان زنانه در ادبیات سیاسی-اجتماعی به شمار می‌روند، می‌توان دریافت که این روزنامه‌ها چگونه صورت‌بندی جدیدی از زن ایرانی و حیطة وظایفش به دست دادند و تصویری از زن ایدئال، یا بدان‌گونه که وبر در بحث‌هایش اشاره می‌کند نوع آرمانی یا تیپ ایدئال^۲ زن ایرانی، ترسیم کردند.

بررسی نشریه شکوفه نشان می‌دهد که این نشریه با طرح مسائل مختلفی چون تربیت، مهارت‌های زندگی، مشارکت اجتماعی، حسن خلق، سوادآموزی، لزوم صرفه‌جویی، بهداشت فردی، عفت و مسائلی

۱. مورگان شوستر، *اختناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری (تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۶۸)، ص ۲۰۵.

از این دست صورت‌بندی خاصی از زن ایدئال ایرانی به دست داد، صورت‌بندی‌ای که متناسب با دنیای جدید باشد.

۱. تربیت، مهارت‌های زندگی، مشارکت اجتماعی

نشریه شکوفه در شماره‌های متعدد خود مقالات گوناگونی (۸ مقاله از مجموع ۳۰۲ مقاله و نوشته) را به موضوع تربیت اختصاص می‌دهد. از دید این نشریه، تربیت صحیح به‌عنوان یکی از ویژگی‌هایی که یک زن ایدئال می‌تواند داشته باشد، مبنای دستیابی به خیر و نیکی و مکارم اخلاق و رهایی از هر نوع بدی و دشمنی و به عبارتی اس اساس یک جامعه است. «اگر می‌خواهید از رذالت و پست‌فطرتی اثری نماند، می‌خواهید بغض و عداوت و نفاق از انجمن بشری بار بندد، باید در پناه تربیت ملتجی بشوید.»^۱ منظور از تربیت صحیح تربیتی است که «محسنات فردا در آن موجود و قبیح‌دیروز در آن مُعدِم باشد.»^۲ شکوفه با چنین مقدماتی به سراغ هدف اصلی‌اش می‌رود و مبنای رسیدن به چنین تربیتی و به تبع آن جامعه‌ای فاضله را تعلیم و تربیت دختران می‌داند.^۳ بدین‌گونه، از دید این نشریه، آموزش و پرورش دختران اصل اساسی برای داشتن یک جامعه انسانی سالم است.

به باور این نشریه، مادر نقش اصلی را در تربیت دختران دارد و خانه پدر در حکم مدرسه‌ای است که دختران باید در آن مهارت‌های زندگی مشترک را کسب کنند. این مهارت‌ها شامل طیف وسیعی چون مهارت‌های یدی مانند خیاطی، آشپزی، شربت‌سازی، مرباپزی و نیز مهارت‌های غیریدی همچون خانه‌داری، شوهرداری و مردم‌داری می‌شود. شکوفه در عین حال تأکید می‌کند که مادر سهم اصلی را در آموزش این مهارت‌ها دارد و باید دختر را به گونه‌ای تربیت کند که ضمن یادگیری مهارت‌های مذکور، بتواند در زندگی مشترک محیطی آرام برای شوهر فراهم کند.^۴

با این همه، به نظر می‌رسد در محتوای برخی از مقالات و مطالب این نشریه فرهنگ مردسالارانه رسوب کرده است؛ هنوز اصالت با مرد است و زن به تنهایی مسئول ایجاد آرامش در خانواده دانسته می‌شود. گو اینکه این وظیفه برای مرد در نظر گرفته نمی‌شود که سلوک و رفتار مناسبی با همسرش داشته باشد: «مادر... باید دختر را به قسمی عمل بیاورد که وقتی خانه شوهر می‌رود اسباب اوقات تلخی و همه‌روزه دعوا و نزاع و طلاق‌کشی نباشد و متصل‌نگویند مگر تو در طولیله بزرگ شدی؟ تقصیر تو نیست تقصیر مادر بی‌شعورت هست که این قسم تو را بار آورده. خاک بر سرت بکند با شوهرداری‌ات.»^۵ البته بررسی

۱. شکوفه، س ۱، ش ۷ (۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ق)، ص ۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، س ۱، ش ۱ (ذیحجه ۱۳۳۰)، ص ۳.

۵. همان.

دیگر مقالات این نشریه نشان می‌دهد که نویسندگان مطالب مزبور اصولاً چنین نگاهی نداشته و حتی درصدد برآمده‌اند خشونت مردان را نقد و از این طریق نگاه سنتی مردسالارانه به زنان را اصلاح کنند.

از نظر شکوفه، یکی از دلایل واسپاری مسئولیت فوق به زنان تفاوت ماهوی بین زن و مرد است. مردان به دلیل فعالیت فیزیکی و طاقت‌فرسا در بیرون از خانه نمی‌توانند چندان به امور خانه رسیدگی کنند. بنابراین، این وظیفه به زنان واگذار شده است. این نشریه در مواضع مختلف یکی از ویژگی‌های زن ایدئال یا الگو را داشتن حسن خلق و اخلاق حمیده، به‌خصوص در تعامل و رفتار با شوهر، می‌داند و ریشه این امر را به تفاوت ماهوی بین زن و مرد در خلقت نسبت می‌دهد، تفاوتی که وظایف خاصی را بر عهده هر یک از این دو جنس می‌گذارد:

خدای متعال هر خلقتی را در عالم از برای کاری و در خور امری خلق فرموده. قامت انسان را بر رأی اَنَا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ آراسته، پس هر کس باید رفتار نماید به مقام خود و کردار کند بر شرف خود. مثلاً وظیفه مردان که از حیث بنیه و عضلات قوی‌تر از زنانند آن است که خود را در انواع مهلکه و صدمات گوناگون انداخته تا امور زندگانی چند نفر از عیال و اولاد و خود را اداره کند و ناگزیر می‌خواهند پس از صدمات وافره و خستگی‌های زیاد در منزل خود راحت نموده، چند شاهی که به زحمت تحصیل نموده با سلامت مزاج و زندگی منظم و اطفال با تربیت و زوجۀ خوش اخلاق صرف نمایند... و وظیفه زن... آن است که در نهایت نظافت و دلسوزی از شوهر و اطفال خود محافظت نماید و با یک اتفاق کلیه این اداره را منظم نمایند و اگر در این شغل عمده عالی تأخیر و تهاون نماید در پیش وجدان خجل و نزد عقل و انسانیت منفعل خواهد بود و وجود خود را ضایع و هستی خود را حرام خواهد کرد.^۱

بنابراین، شکوفه نه فقط از فرهنگ مردسالارانه و مفروضات آن که تا پیش از این اصولی مسلم در نظر گرفته می‌شد، دفاع نمی‌کند بلکه با استناد به معارف اسلامی و آیات قرآن آن را نقد می‌کند. مثلاً در مقاله‌ای با عنوان «فلسفه زن و شوهر» با استناد به آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/ ۱۸۷)، ضمن بیان وظایف زن و شوهر در قبال هم و تکلیفی که قرآن بنا بر این آیه برای آنها به منظور اصلاح یکدیگر مقرر کرده است، به نقد نگاهی می‌پردازد که مردان را برتر از زنان و دارای عقل و شعور بیشتر می‌داند، حال آنکه بر مبنای آیه قرآن اصولاً زن و شوهر از طریق درک متقابل یکدیگر می‌توانند اصلاح‌کننده هم باشند و در این صورت هرگز «نفاق و شقاق و حيله و دسيسه و گفت‌وگوی فراق»

۱. همان، س ۱، ش ۴ (۱۱ ربیع‌الاول ۱۳۳۱)، ص ۱.

پدید نمی‌آید:

... برخلاف اشخاصی که پی به حقوق و حدود هم‌جنسی و هم‌نوعی و هم‌صنفی خود نبردند و واقع‌همچگی گمان می‌کنند که طایفه نسوان در خلقت از مردان نقصان دارند یا اینکه از نوع بشر و انسان نمی‌باشند و آقایان خود را از عالم پاک و زنان را سرشته از خاک می‌دانند یا اینکه خود را عاقل کامل فرزانه می‌شمارند و زنان را جاهل و دیوانه محسوب دارند و بدین واسطه ظلم و تعدی را از همه جهت دراز نموده و همه قسم ذلت و مسکنت که انسان به هیچ حیوانی روا ندارد در حق زنان لازم بلکه واجب دانسته از ضرب و شتم و بی‌شرفی حال آنکه فرمایشات حضرت رسالت چنین قضاوت فرمودند بلکه به عکس امر به محبت و عدالت و رأفت و رعایت فرمودند.^۱

شکوفه نه فقط فرهنگ مردسالارانه را نقد می‌کند، بلکه به جزئیات رفتاری مردان و تفاوت آن با زنان نیز توجه دارد، چنانکه در چند موضع از نشریه، در مورد نحوه رفتار مردان با زنان هشدار می‌دهد و خواهان تغییر آن است.^۲ حتی گاه پا را فراتر می‌نهد و با ارجاع به آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء/۳۴) معتقد است زنان نسبت به مردان «مقام همسری و هم‌سری و کفویت» دارند. بنابراین مردان نه فقط باید «نگاهدار هیكل و جسم» زنان باشند بلکه باید «حافظ و حارث عصمت و عفت و شرافت» آنها نیز باشند. به همین دلیل آموختن نحوه رفتار با زنان ضروری است.^۳ به علاوه، شکوفه با اشاره به برابری زنان با مردان بر افزایش نقش زنان در اداره جامعه تأکید می‌کند: «چون مردان با زنان مرتبه کفویت و زوجیت و همه قسم شرکت و معیت و مصاحبت و مباشرت در اداره جماعت دارند، بلکه می‌توان در کمال اطمینان به اکثریت قول و رأی داد که کمپانی شرکت و زندگی بدون معیت و پابندی و همراهی زنان نباید تشکیل و استقلال و استکمال دایره اجتماعی را جزء اعظم و اکثر معظم است.»^۴ بدین ترتیب، برخلاف دوران پیشامشروطه، نشریه شکوفه نه فقط انزوای اجتماعی زنان، فرهنگ مردسالار و برخی از باورهای کهن را نقد می‌کند، بلکه خواهان تجدیدنظر در آنهاست. بنابراین، مشارکت در امور اجتماعی و اداره جامعه نیز می‌تواند یکی دیگر از ویژگی‌های زن ایده‌آل باشد.

۲. تلاش برای ترویج سوادآموزی

یکی از نقدهای شکوفه به وضعیت زنان ایرانی، عقب‌ماندگی فکری و اعتقاد آنان به امور غیرعقلی و خرافه است. از این رو، نیاز به آموزش و تحصیل علم را برای زنان ضروری می‌داند. این نشریه

۱. شکوفه، س ۲، ش ۱۱ (۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ق)، ص ۱-۲.

۲. همان، س ۲، ش ۲۰ (۱ صفر ۱۳۳۲ق)، ص ۴.

۳. همان، س ۲، ش ۲۱ (۱۵ صفر ۱۳۳۲ق)، ص ۴.

۴. همان.

در مقالاتی با عنوان «معارف زن‌های ایرانی یکی از سرچشمه‌های بدبختی ما» ضمن آنکه برخی از باورهای غیرعقلی و خرافی زنان ایرانی را شرح می‌دهد، آنها را از حیث «زندگی و عبادات مخصوصه» به سه گروه زنان شهری، زنان روستایی و زنان ایلات تقسیم می‌کند و معتقد است این سه گروه به‌رغم تفاوت‌هایی که دارند، در برخی از اعتقادات و «معارف» با هم مشترک‌اند. این اعتقادات که از دید نشریهٔ مزبور «اساس دین زن‌های ایران» است، شامل دو نوع می‌شود. نوع اول دربرگیرندهٔ باور به «کرامت اشخاص مجهول‌الحال و اثر نفس و بعضی مرشدها و سحر و طلسمات پیرزن‌ها و یهودی‌های دعانویس یا غیب‌گویی رمال‌ها و غیره» است^۱ و نوع دوم که با عنوان «عقاید فالی و خاصیتی» از آن یاد می‌شود، شامل «اعتقاد به سعد و نحس ساعات و شومی حیوانات، آمد و نیامد و فال‌های دیگر که جزء آداب محلی و در هر نقطه طرز مخصوصی را داراست» می‌گردد. نوع اول چون بخشی از دین به حساب آمده است، در بین تمام گروه‌های سه‌گانهٔ زنان شهری، روستایی و ایلیاتی، به‌رغم شدت و ضعف، وجود دارد؛ «مثلاً آن طوری که خانم‌های طهران اعتقاد به اثر دعای ملاپیناس یهودی و طلسم سید جن‌گیر دارند زن بزرگ‌دهاتی ده یک و زن ایلیاتی صد یک آن را شاید معتقد باشند.»^۲ اما اعتقادات نوع دوم که «به‌عنوان خاصیت و اثر به‌وجود آمده» است در هر نقطه و محلی «یک ترکیب و شکل مخصوصی» دارد. شکوفه پس از تشریح هر یک از این اعتقادات نتیجه می‌گیرد که این عقاید در کل اتفاقاً هیچ ارتباطی با دین اسلام ندارند و یادگار «بت‌پرست‌های مغول و تاتار» هستند که در قرون میانه وارد ایران شدند و «یک دسته از مُدلسین منفعت‌پرست به لباس دیانت مقدسه این زندگه‌ها را ترویج کرده‌اند.»^۳ در دین اسلام اساساً چنین اعتقاداتی وجود نداشته است و حتی «شارع اسلام برای آنکه ملتش مثل امم سابقهٔ قبل مبتلای خرافات این نوع از بت‌پرستی نشود، نهی اکید فرمودند قبور را بلند نسازند و در و دیوار آن را نقش و نگار نمایند و هزار نهی دیگر.»^۴

عطف به مباحث فوق، شکوفه چارهٔ رهایی از خرافات و باورهای غیرعقلانی و نادرست را که هیچ اشتراکی با اسلام ندارند، در علم‌آموزی، تحصیل دانش و افزایش آگاهی زنان و مردان می‌داند. به همین دلیل، در تعریفی که از مدرسه به دست می‌دهد آن را مکانی برای تحصیل دانش و معارف و جایی برای تربیت انسان و به یک معنا کارخانهٔ آدم‌سازی و نه مکانی برای دسایس شیطنی به حساب می‌آورد.^۵ بدین ترتیب، تحصیل دختران و زنان که در دورهٔ پیشامشروطه نه کاری مذموم، اما نالازم به

۱. همان، س ۱، ش ۹ (۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱)، ص ۱.

۲. همان.

۳. همان، س ۱، ش ۹ (۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱ ق)، ص ۲.

۴. همان، س ۱، ش ۱۰ (۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱ ق)، ص ۲.

۵. همان، س ۱، ش ۵ (۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ ق)، ص ۱.

شمار می‌رفت، در این نشریه یکی از ویژگی‌های زن ایدئال دانسته می‌شود. شاید به همین دلیل باشد که شکوفه همواره به‌عنوان نشریه‌ای شناخته می‌شود که بخش قابل توجهی از مطالبش را به آموزش زنان و تأسیس مدارس نوین دخترانه اختصاص داده است. چنانکه از مجموع ۳۰۲ مقاله و مطالب و نامه‌هایی که در آن منتشر شده، ۴۱ مقاله (حدود ۱۴ درصد) به بحث مدارس اختصاص یافته است.

شکوفه «دختر خوب» را دختری می‌داند که از روی عقل و دانش رفتار کند و «به مدرسه برود و تحصیل علم کند، یعنی علوم لازمه مفیده را... یاد بگیرد.»^۱ به علاوه، این نشریه، با رجوع به تجربیات برخی از کشورها، یکی از دلایل پیشرفت جوامع را تربیت و آموزش زنان معرفی می‌کند. برای مثال در یکی از مقاله‌ها به سراغ ژاپن می‌رود و معتقد است «میل وافر» مردم ژاپن به تربیت زنان و دختران دلیل اصلی پیشرفت و ترقی این کشور بوده است. به عقیده نویسنده این مقاله، بر اثر تلاش‌های ملکه ژاپن طبقات مختلف مردم تشویق شدند زنان و دختران خود را برای علم‌آموزی به دیگر کشورها بفرستند. البته احتمال دارد اشاره نویسنده به اقدام ملکه ژاپن و سهم وی در گسترش سوادآموزی زنان و دختران ژاپنی که نتیجه آن «ترقی و تمدن ایشان» بود، کنایه‌ای باشد به بی‌مسئولیتی زنان شاه و رجال درباری ایران در ایجاد مدارس دخترانه در ایران، به‌ویژه اینکه شکوفه در آخر مقاله می‌نویسد:

در حقیقت سبب اصلی احیای ژاپن و ترقیات محیرالعقول این مملکت از اثر این اقدام مقدس ملکه است و لاغیر. ای کاش خانم‌های ایرانی ما به این یک زن ژاپنی تقلید و تأسی کرده هر یک چند نفر اطفال یتیم و دوشیزگان فقیر را به این مدارس ناقص ما بگذارند و معاونت و همراهی به این مکاتب نسوان نموده، شاید ما هم بتوانیم اقلاً به قدر صد یک ژاپونیان ترقی کرده و سعادت رفتۀ خود را به دست آوریم.^۲

بدین ترتیب، تلاش برای گسترش سوادآموزی دختران یکی دیگر از ویژگی‌های زن ایدئال از دید این نشریه است.

این نشریه در عین تأکید بر سوادآموزی و اندوختن دانش، توجه خواننده را به تفاوت بین ادراک و علم جلب می‌کند. در حقیقت سوادآموزی را زمانی مؤثر و مفید می‌داند که با اندیشیدن و غور در امور مختلف همراه باشد. به عبارتی ساحت اندیشه از دید این نشریه از ساحت سواد و علم جداست، ولی زمانی که این دو با هم همراه شوند، شخص به ادراکی از خود و اطرافش می‌رسد که سبب تعالی او و جامعه می‌شود. به همین دلیل، در کنار سوادآموزی و تلاش برای گسترش آن، یکی دیگر از ویژگی‌های زن ایدئال، تلاش برای اندیشیدن در امور و ادراک درست آنهاست؛ «آشکار است که ادراک غیر از علم است. در مدارس

۱. همان، س ۱، ش ۱۱ (۱۲ رجب ۱۳۳۱)، ص ۳.

۲. همان، س ۲، ش ۹ (۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۲)، ص ۲-۳.

درس خواندن و عالم شدن چیز دیگر است و قوهٔ مدرکه را سیقل زدن و در زشت و زیبا و اطراف کارها غور کردن چیز دیگر...»^۱

۳. علم‌آموزی و یادگیری برخی از صنایع (سواد زندگی)

نشریهٔ شکوفه یکی از پیش‌نیازهای ضروری برای داشتن زندگی‌ای آرام در کنار سایر اعضای خانواده را کسب «بعضی از علوم و صنایع» می‌داند و در تشریح مقصودش از صنایع و علوم به مهارت‌های آشپزی، خیاطی، شوهرداری، تربیت فرزند و مواردی از این دست اشاره می‌کند و معتقد است که این «صنایع و علوم مانند سایر علوم هم تحصیل علمی دارد و هم مقام تجربه و عملی.»^۲ بدین ترتیب، شکوفه بین آنچه به صورت غیرعلمی و صرفاً تجربی و به‌عنوان مهارت‌های آشپزی و فرزندداری از مادران به دختران منتقل می‌شود با آنچه به واقع باید هم از این طریق و هم از طریق مطالعه و تحصیل به دست می‌آید تفاوت قائل می‌شود. به همین دلیل مهارت‌های فوق را در زنان ایرانی ناقص، نابسند و ناکافی می‌داند و تلاش می‌کند با ذکر مثال‌ها و روش‌هایی نشان دهد که کسب علم هر یک از این مهارت‌ها و انتقال آن به فرزندان چگونه باید باشد.^۳ پس یکی دیگر از ویژگی‌های زن ایدئال، از دید شکوفه، تحصیل سواد زندگی هم به صورت علمی و هم به صورت تجربی و نیز انتقال آن به فرزندان از راه‌های عملی و نظری است. شاید به همین دلیل است که در تعریف «دختر خوب» بر فراگیری «صنایع یدی» و یادگیری فنون خانه‌داری تأکید می‌کند: «دختر خوب آن است که ملتفت بشود و بداند که مدت‌ها در دنیا باید زندگانی نماید و اگر از علم زندگانی بی‌بهره باشد در مدت عمر به او خیلی بد خواهد گذشت و اسباب بدبختی و زحمت دیگران هم خواهد شد.»^۴

۴. پرهیز از تقلید کورکورانه

در دورهٔ قاجار با ورود کالاهای خارجی به ایران و تبلیغ آنها در روزنامه‌ها، اولین سوبه‌های سبک زندگی مصرفی نمایان می‌شود. این امر از دید نشریهٔ شکوفه دور نمی‌ماند و به همین دلیل در مقالاتی با عنوان «تقلید بد»، از یک سو رواج روحیهٔ مصرف‌گرایانه را در بین زنان ایرانی مذمت می‌کند و از سوی دیگر خسارت‌های ناشی از استفاده از کالاهای بیگانه را بر تولیدات داخلی و اقتصاد جامعه برمی‌شمرد. بنابراین، یکی از ویژگی‌های زن ایدئال از منظر این نشریه پرهیز از تقلید کورکورانه، دوری از تجمل‌گرایی، استفاده از کالاهای تولید داخل و کمک به دولت است: «تقلید در بسیاری از امورات و موارد باعث ذلت و فلاکت

۱. همان، س ۴، ش ۵ (۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۴)، ص ۲-۳.

۲. همان، س ۲، ش ۱۸ (۲۶ ذیحجه ۱۳۳۱ق)، ص ۴.

۳. همان، س ۲، ش ۲۰ (۱ صفر ۱۳۳۲ق)، ص ۴.

۴. همان، س ۱، ش ۱۱ (۱۲ رجب ۱۳۳۱ق)، ص ۳.

بلکه گاهی منجر به مرض و هلاکت می‌گردد. هر کسی باید نگاه کند به وقت و روز خودش... هر کس حدودی دارد و هر کسی از حدود خود خارج شود پای از اندازه گلیم خود دراز کرد در بسیاری از بلیات وارد می‌شود...^۱ در جایی دیگر می‌آورد: «[زنان باسواد باید] همه را به استعمال البسه و امتعه داخله وادار نمایند. باید که عموم دختران ایران لباس خود را و مردانشان را بدوزند و تا می‌توانند صنایع دستی را هم بدانند... و به دولت خودشان از کدام راه‌هایی که می‌توانند کمک بکنند.»^۲ در حقیقت به نظر می‌رسد این نشریه نوعی گرایش میهن‌پرستانه داشته است.

۵. صرفه‌جویی

در کنار پرهیز از تقلید کورکورانه، صرفه‌جویی یکی دیگر از ویژگی‌های زن ایده‌آل در نشریه شکوفه ذکر شده است. در حقیقت این نشریه از یک سو زن ایده‌آل را زنی می‌داند که از تقلید کورکورانه و زندگی مصرفی بپرهیزد و از سوی دیگر همواره در مصارف روزانه صرفه‌جویی نماید. این نشریه صرفه‌جویی را نوعی علم می‌شمارد و از زنان می‌خواهد با صرفه‌جویی و رعایت مصرف «بدون جهت چیزی را ضایع نکنند» تا بدین طریق از نعمت‌های الهی منتفع و بهره‌مند گردند: «مثلاً هنگامی که می‌خواهد رخت بشوید و آب گرم لازم دارد از حرارت آفتاب نفع برده شود، یعنی آب بگذارد در آفتاب تا گرم شود و همچنین از سایر موجودات هم منتفع شود.»^۳

۶. رعایت بهداشت فردی

نشریه شکوفه یکی از ویژگی‌های زن ایده‌آل را توجه به بهداشت فردی و نظافت می‌داند. نمونه این مورد را می‌توان در مقالات متعددی (۱۸ مقاله و مطلب) مشاهده کرد که عمدتاً با عنوان «حفظ الصحه» منتشر شده است. ضمن اینکه در مقاله‌ای با عنوان «دختران خوب کدام‌اند؟» دستورالعمل‌هایی برای رعایت بهداشت فردی داده شده است. در این مقاله بر شستن دست‌ها، دهان، صورت و نیز توجه به بهداشت دهان و دندان تأکید و دستورالعمل کاملی در این مورد داده می‌شود. در حقیقت شکوفه یکی از ویژگی‌های دختران «تربیت‌شده» را رعایت بهداشت می‌داند. مثلاً در مورد بهداشت دهان می‌نویسد: «[مسواک زدن] چند فایده دارد: اولاً بوی دهان که در شب روی هم بوده است و همه از او تنفر دارند، گرفته می‌شود؛ ثانیاً چرک در روی دندان که هر کس می‌بیند دلش به هم می‌خورد، پاک می‌شود که هر کس می‌بیند خوشش می‌آید و ثالثاً از دندان درد و خراب شدن و کرم خوردن دندان راحت دیگر به

۱. همان، س ۱، ش ۵ (۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۱ق)، ص ۳.

۲. همان، س ۴، ش ۶ (۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ق)، ص ۳-۴.

۳. همان، س ۱، ش ۱۱ (۱۲ رجب ۱۳۳۱ق)، ص ۳.

دندان‌ساز محتاج نمی‌شود.»^۱

۷. برخورداری از عفت

یکی دیگر از ویژگی‌های زن ایدئال از نگاه شکوفه، برخورداری از ویژگی عفت و عصمت است. از دید این نشریه زن خوب «آن است که گوهر گرانبه‌ای عصمت را که ناموس، شرافت و آدمیت و اطمینان اوست از دست ندهد.» شکوفه عفت زن را بر تمامی شئون نسبی و حسبی ارجح می‌داند و آن را نشانه کمال زن به حساب می‌آورد^۲ و متذکر می‌شود در صورتی که زنی عفت و پاکدامنی نداشته باشد، هرچند ثروتمندترین و بزرگ‌زاده‌ترین زن روی زمین باشد «او را جفت گرفتن و با او دمساز و محرم راز و در امورات متحد و هم‌آواز شدن نشاید.»^۳

۸. نصیحت‌پذیری و احترام به پدر و مادر

نصیحت‌پذیری و به همین نحو نصیحت کردن دیگران از جمله ویژگی‌های زنان و دختران ایدئال است. به باور شکوفه زنان و دختران با نصیحت کردن دیگران، به‌ویژه خواهران و برادران کوچک‌تر، راه سعادت و خوشبختی را به آنها نشان می‌دهند و با نصیحت شنیدن از دیگران، به‌خصوص پدر و مادر، اسباب خرسندی آنها را فراهم می‌آورند.^۴ همچنین شکوفه یکی از ویژگی‌های «دختر خوب» را رعایت احترام پدر و مادر و معلمان خودش می‌داند: «... و پدر و مادر و معلمین خودش را دعا می‌کند. بعد در کمال ادب درست خدمت پدر و مادر می‌رسد و سلام و تحیت و عرض اخلاص به جای می‌آورد و تا اجازه و اذن جلوس ندهند، نمی‌نشیند و خود را حاضر و مهیا می‌سازد از برای اطاعت و فرمایشات پدر و مادر و ابداً طریقه بدرفتاری پیش نمی‌گیرد.»^۵

نتیجه‌گیری

بررسی نشریه شکوفه نشان می‌دهد پس از انقلاب مشروطه صورت‌بندی مسئله زنان در حال تغییر است. به عبارتی برخی از مفروضات صورت‌بندی پیشامدرنی، مانند کراهت و یا عدم لزوم سوادآموزی و تحصیل زنان و نیز عدم نیاز به حضور جدی در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، در این دوره با تشکیک و عدم قطعیت روبه‌رو و نقد می‌شود. این نوع نقد در مطبوعاتی چون شکوفه نه الزاماً نقدی سلیبی، بلکه همراه با پیشنهاد جایگزین‌هایی است. در صورت‌بندی جدید که بخش اعظمی از آن نتیجه تماس با

۱. همان، س ۳، ش ۴ (۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق)، ص ۴.

۲. همان، س ۳، ش ۱۵ (۲ شوال ۱۳۳۳ق)، ص ۴.

۳. همان، س ۳، ش ۱۸ (۱۵ ذیحجه ۱۳۳۳ق)، ص ۳-۴.

۴. همان، س ۱، ش ۱۱ (۱۲ رجب ۱۳۳۱ق)، ص ۳.

۵. همان، س ۳، ش ۴ (۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق)، ص ۴.

کشورهای دیگر و تبادل فرهنگی ایران در دوران قاجار است، دیگر برای زنان امکان کنش در مسائل مختلف به مانند قبل میسر نیست. به همین دلیل عمده‌ترین مؤلفه‌های صورت‌بندی جدید در مواردی چون سوادآموزی، ارتقای سطح دانش و تعالی میزان علم در زنان، تلاش برای ادراک محیط اطراف و مسائل روز، حضور در امور اجتماعی در پرتو عقیده به برابری و «کفویت» زن و مرد و نیز دوری از خرافات، تلاش برای نگاه عقلانی به دین و مسائل اجتماعی و در کنار همه اینها مواجهه انتقادی با فرهنگ مصرفی در پرتو استفاده از تولیدات داخلی برای تقویت اقتصاد کشور مطرح می‌شود. نتیجه این صورت‌بندی ترسیم تصویری ایدئال از زن ایرانی به‌عنوان یک نوع آرمانی یا ایدئال است. این تصویر ایدئال از یک سو، واجد ویژگی‌هایی چون سواد، علم، دانش، ادراک، نگاه انتقادی به مسائل و از سوی دیگر کنش اجتماعی مؤثر از جمله تلاش برای ترویج سوادآموزی زنان، پرهیز از تقلید کورکورانه در مواجهه با فرهنگ مصرفی در کنار کسب سواد زندگی از جمله شوهرداری، آشپزی، خیاطی، فرزندداری از جنبه نظری و عملی است. زن ایدئال ایرانی از دید شکوفه واجد تمام ویژگی‌هایی است که می‌تواند او را کنشگری مؤثر در همه امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانوادگی معرفی کند، از ویژگی‌های ظاهری گرفته تا ویژگی‌های اخلاقی و علمی. جدول زیر نشان می‌دهد که سوادآموزی و برخورداری از علم مهم‌ترین ویژگی زن ایدئال از منظر شکوفه است و پس از آن نیز بهداشت و سواد زندگی قرار می‌گیرد. همچنین این جدول نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد از محتوای این نشریه صرف صورت‌بندی ویژگی‌های زن ایدئال ایرانی شده است.

جدول ۱. میزان و درصد هر یک از ویژگی‌های مورد نظر نشریه شکوفه برای زن ایدئال ایرانی نسبت به کل محتوای این نشریه (۳۰۲ مقاله و مطلب)

موضوع	تعداد مقاله یا مطلب	درصد
مدارس و آموزش زنان	۴۱	۱۳/۵۷
بهداشت و حفظ الصحه	۲۱	۶/۹
سواد زندگی	۸	۲/۶
تربیت	۸	۲/۶
مبارزه با خرافه	۴	۱/۳
مذمت مصرف‌گرایی	۳	۰/۹
پرهیز از تقلید بد	۳	۰/۹
میهن‌دوستی	۲	۰/۶۶
مجموع	۹۰	۲۹/۸

کتابنامه

- آفاری، ژانت. «گذر از میان صخره و گرداب: دگرگونی نقش زن و مرد در ایران قرن بیستم»، *ایران نامه*، س ۱۵، ش ۵۹، ۱۳۷۶، ص ۳۶۵-۳۸۸.
- آفاری، ژانت. *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، تهران: بیستون، ۱۳۸۵.
- احدی، الهه. «زن در آینه مطبوعات دوره قاجار»، *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، س ۲، ش ۱۰، زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۴۹-۱۶۰.
- باغدار دلگشا، علی و دیگران. «حفظ الصحه نسوان در مطبوعات زنان با تکیه بر مطبوعات منتشرشده از ۱۲۸۹-۱۳۰۷ش / ۱۹۱۰-۱۹۲۸م»، *تاریخ پزشکی*، دوره ۹، ش ۳۳، ۱۳۹۶، ص ۳۲-۴۴.
- باقری، الهه و خواجه، شهناز. «نکاتی در باب بهداشت و سلامت عمومی در نشریه شکوفه با تکیه بر سلامت مادر و کودک»، *تاریخ پزشکی*، س ۶، ش ۲۰، پاییز ۱۳۹۳، ص ۴۷-۸۲.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلز. *سفرنامه بنجامین*، ترجمه محمد حسین کردبچه، تهران: جاویدان، ۱۳۶۹.
- پولاک، ادوارد یاکوب. *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱.
- ترابی فارسانی، سهیلا. *اسنادی از مدارس دخترانه از مشروطیت تا پهلوی*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸.
- جلالی، ایرج. «عملکرد زنان در مطبوعات عصر مشروطه»، *رشد آموزش تاریخ*، ش ۳۹، تابستان ۱۳۸۹، ص ۴۲-۴۶.
- حاتم‌پور، شبنم و بابایی‌راد، بیتا. «زن و تحولات سیاسی از قرن ۷ تا پایان دوره پهلوی»، *زن و فرهنگ*، س ۲، ش ۶، زمستان ۱۳۸۹، ص ۳۷-۵۳.
- حاجی آقابابایی، محمدرضا و صالحی، نرگس. «بررسی آموزه‌های تعلیمی در نخستین مطبوعات تخصصی زنان»، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، س ۱۱، ش ۴۳، پاییز ۱۳۹۸، ص ۳۹-۶۶.
- حامدی، زهرا. *مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیرش بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی*، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۴.
- دلریش، بشری. *زن در دوره قاجار*، تهران: دفتر مطالعات دینی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- رابینو، ل. *مازندران و استرآباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
- زنجانی‌زاده، هما و باغدار دلگشا، علی. «بررسی جامعه‌شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه با تأکید بر روزنامه *زبان زنان*»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۶، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۶۱-۸۰.
- شکوفه، س ۱، ش ۱، ۱۳۳۰ق؛ س ۱، ش ۴، ۱۳۳۱ق؛ س ۱، ش ۵، ۱۳۳۱ق؛ س ۱، ش ۷، ۱۳۳۱ق؛ س ۱، ش ۹، ۱۳۳۱ق؛ س ۱، ش ۱۰، ۱۳۳۱ق؛ س ۱، ش ۱۱، ۱۳۳۱ق؛ س ۲، ش ۲، ۱۳۳۲ق؛ س ۲، ش ۳، ۱۳۳۲ق؛ س ۲، ش ۴، ۱۳۳۲ق؛ س ۲، ش ۱۸، ۱۳۳۱ق؛ س ۲، ش ۲۰، ۱۳۳۲ق؛ س ۲، ش ۲۱، ۱۳۳۲ق؛ س ۳، ش ۴، ۱۳۳۳ق؛ س ۴، ش ۵، ۱۳۳۴ق؛ س ۳، ش ۱۵، ۱۳۳۳ق؛ س ۳، ش ۱۸، ۱۳۳۳ق؛ س ۴، ش ۶، ۱۳۳۴ق؛ س ۴، ش ۱۱، ۱۳۳۴ق.
- شیخ رضایی، انیسه. *گزارش‌های نظمیه از محلات تهران*، ج ۱، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷.
- شوستر، مورگان. *اختناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوستری، تهران: صفی علیشاه، ۱۳۶۸.
- علیزاده، محمدعلی و باغدار دلگشا، علی. «بررسی مطالبات اجتماعی زنان در جراید عصر مشروطه (با تأکید بر

نامه‌نگاری‌های زنان در روزنامه *ایران نو*»، زن و جامعه، س ۷، ش ۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۲۰۱-۲۱۸.
فووریه، ژان باتیست. سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران: پر، ۱۳۹۵.
کرمانی، میرزا آقاخان. سه مکتوب، به کوشش و ویرایش بهرام چوبینه، بی‌جا: بی‌نا، ۲۰۰۰.
ناهید، عبدالحسین. *زنان ایران در جنبش مشروطه*، تبریز: نشر احیا، ۱۳۶۰.
واتسن، رابرت گرانت. *تاریخ ایران در دوره قاجار*، ترجمه عباسقلی، بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۴۰.
وطن‌دوست، غلامرضا و دیگران. *زن ایرانی در نشریات مشروطه*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.

Offen, Karen and Pierson, Ruth Roach. *Writing Women History: International Perspectives*,
Bloomington: Indiana University, 1991.

Press.

Sadeghi, hamideh. *Women and Politics in Iran: Veiling, Unveiling and Reveiling*, New York:
Cambridge University, 2007.

Press.

Spongberg, Mary. *Writing Women's History since the Renaissance*, New York: Palgrave
Macmillan, 2002.

Zinsser, Judith. *History and Feminism: A Glass half full*, New York: Twayne, 1993.